۱۷

نیمهٔ‌پنهان

روایتی داستانی از شکست عملیات پنجه عقاب در صحرای طبس

۲۹۰۲

تالیف: پروین نخعی مقدم

وقتی شیطان به سربازان خود نیز رحم نمی‌کند

ماجرای مرگ فجیع ۱۶ سرباز در لوئیزیانا!

بی‌صبری خانواده‌های گروگان‌های آمریکایی هم شده بود قوز بالای قوز. مراسلاتی که از نیروهای سیا به دستش می‌رسید، اصلا خوشایند نبود. بخش زیادی از مدارکی که نشان می‌داد کارمندهای سفارتخانه آمریکا در خاک ایران واقعا جاسوسی می‌کرده‌اند، از بین رفته بود اما هنوز مدارک غیرقابل انکار زیادی وجود داشت که حتی نیمی از آنها نه تنها برای محکومیت او، بلکه دولت‌های قبلی هم کافی بود.

روحیه گروگان‌ها در مدت چند ماهی که در سفارتخانه اسیر ایرانی‌ها شده بودند، به طرز محسوسی تضعیف شده بود و بدتر از همه این که اسارت طولانی مدت آنها می‌توانست برای انتخاباتی که او در پیش رو داشت بسیار مهلک باشد. باور کردنی نبود، با وجود نفوذ نیروهای سیا در ایران و جریان‌سازی‌هایی که او همیشه به موفقیتشان اطمینان داشت، در مدت یک سال اوضاع ایران تا این حد فرق کند. همه چیز از رسیدن به امنیت و ثبات نسبی در منطقه حکایت می‌کرد.

این حس برای جیمی کارتر واقعا شرم‌آور بود، نه تنها شرم‌آور که ترسناک هم بود. بعد از تسخیر سفارت آمریکا در ایران، احساسات ضدآمریکایی در منطقه به شدت بیدار شده بود و اگر حمله روسیه به افغانستان نبود، چه بسا که همه منطقه از دست می‌رفت.

جیمی کارتر با خودش فکر کرد:

«اگر هیچوقت روس‌ها به نفع آمریکا کار نکرده‌اند اما، این اشغالگری حسابی حواس همه را پرت کرده است.»

از فکر آنچه می‌گذشت، شب‌ها معمولا تا دیر وقت با چشمان باز روی تختش دراز کشیده و به نقطه‌ای در تاریکی خیره می‌ماند. تنها وقتی صبح می‌شد، از رد ناخن‌ها برکف دست‌هایش می‌فهمید که چه خشمی بر او گذشته است. حسی در او سرکوب شده بود، حسی که جامعه آمریکایی به آن عادت داشت؛ احساس زورمندی. او می‌خواست بر جهان فرمان براند اما در آن لحظه و در آن زمان حتی از اداره کردن ذهن خودش هم عاجز بود. ذهنش به طرز محسوسی فلج شده بود.

کارتر هر بار تهدید کرده بود و آخرین بار به دنبال تهدید حمله نظامی به ایران از رهبر ایران جواب گرفته بود:

«آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.»

اکنون حس سرخورده‌ای او را وادار کرده بود که با همه توان نظامی و رخنه در سران و مسئولان ایران پاسخ محکمی به این گفته بدهد و خود می‌دانست که حتی اگر همه دنیا با این کار مخالفت کنند، او در انجام تصمیم‌اش مصمم است. هرچند دلشوره‌های شکست در جای خود باقی بود.

اگر دست به یک تهاجم بزرگ می‌زد و شکست می‌خورد در آستانه انتخابات کارش ساخته بود، اگر وارد یک جنگ فراگیر می‌شد امکان تمرد سربازها از جنگ هم برای خودش یک مسئله بود. خیلی از مردم هنوز از تبعات جنگ با ویتنام رنج می‌بردند. تنها ۵ سال از آن روزهای تلخ گذشته بود. هنوز خاطره مرگ سربازها فراموش نشده بود، سربازهای بازمانده هم مشکلات روحی و روانی خودشان را داشتند. تبلیغات مخالفان جنگ هم بود. هر روز واقعیت‌های تازه‌ای از مرگ فجیع سربازان، درجه‌داران و افسرانی که از جنگ در ویتنام سر باز زده بودند، در مرداب‌های لوئیزیانا و مانورهای جنگی به گوش می‌رسید.

«ستوان گریس و ۱۵ نفر از افراد گروهش از جنگ تمرد کردند، همه را به بهانه تمرین فرستادند به مرداب‌های لوئیزیانا، عجب جهنمی بود، بیچاره‌ها همه تیر مشقی داشتند، بعد شکارچی‌های انسان را اجیر کردند تا همه را بکشند، همه قتل‌عام شدند ... ۹ نفر از سربازهای دسته ششم... ۱۶ نفر از هنگ...»

اصرار بر رد اتهام از او و دولتش که در اصل نماینده حزب دموکرات‌ها بودند، بی‌فایده بود؛ چرا که خیلی‌ها باور داشتند که آتش جنگ ویتنام را دموکرات‌های کاخ سفید یعنی کندی شعله‌ور ساخت و جانسون دموکرات هم به آن سرعت بخشیده بود. در این شرایط کارتر توصیه سیاسی فرانکلین روزولت را به خاطر می‌آورد که گفته بود: «چوبدستی بزرگ بردار و آرام سخن بگو.»

به سوی نیمیتس

چند روز بعد از سرگردانی بر روی آب‌های خلیج‌فارس دسته نورآبی‌ها و تفنگداران دریایی با کوله‌پشتی‌های پر از مهمات آماده سوار شدن به قایق‌های کوچک شدند. ناو نیمیتس درست در مقابل کشتی بر روی آب‌ها، لنگر انداخته بود و ژنرال وات حالا امیدوار بود که مانورهای چند ماهه ارتش، روس‌ها را سردرگم کرده باشد. هرچند این احتمال را هم می‌داد که با وجود شبکه بزرگی از وسایل جاسوسی، زیردریایی‌ها و ناوهای جاسوسی که روس‌ها در منطقه داشتند، آنها بویی از عملیات برده باشند اما ترجیح داده‌اند سکوت اختیار کنند و منتظر نتایج بعدی باشند و چه بسا که با حمله آمریکا و به دنبال آن ضعف دولت مرکزی ایران، اوضاع در شرق ایران بیش از پیش به نفع آنها می‌شد. از بابت نیروی دریایی و هوایی ایران هم خیال ژنرال و سرهنگ تا حد زیادی آسوده بود. اتفاقاتی که در روزهای اخیر به تحریک عوامل سازمان سیا داخل در ایران یکی بعد از دیگری می‌افتاد، اگر چه برای ایرانی‌ها ناخوشایند بود اما خیال آمریکایی‌ها را از بابت آنها اندکی آسوده می‌کرد. خبرهایی که به ژنرال می‌رسید حاکی از آن بود که حزب‌های کومله و دموکرات در کردستان- مرز غربی ایران- آشوب‌هایی تازه به پا کرده بودند که همه توجه و حواس ارتش را به خود مشغول می‌کرد، صدام حسین هم با دیدن چراغ سبز از طرف دولت جیمی کارتر و با توجه به انقلابی که هنوز به ثبات کامل نرسیده بود، درصدد اشغال خرمشهر و آبادان و اهواز برآمده بودند. این همه درگیری فرصتی برای ایران باقی نمی‌گذاشت تا به فکر تحرکات آنها بر روی آب‌های خلیج‌فارس باشند. طی دو ماه گذشته خبرها به نوبه خود خوب بود اما ژنرال اطمینان داشت، خبرهای بهتری نیز برای روز حمله به او و گروه تحت فرماندهی‌اش می‌رسد.

*** اگر دست به یک تهاجم بزرگ می‌زد و شکست می‌خورد در آستانه انتخابات کارش ساخته بود، اگر وارد یک جنگ فراگیر می‌شد امکان تمرد سربازها از جنگ هم برای خودش یک مسئله بود. خیلی از مردم هنوز از تبعات جنگ با ویتنام رنج می‌بردند. تنها ۵ سال از آن روزهای تلخ گذشته بود. هنوز خاطره مرگ سربازها فراموش نشده بود، سربازهای بازمانده هم مشکلات روحی و روانی خودشان را داشتند. تبلیغات مخالفان جنگ هم بود. هر روز واقعیت‌های تازه‌ای از مرگ فجیع سربازان، درجه‌داران و افسرانی که از جنگ در ویتنام سر باز زده بودند، در مرداب‌های لوئیزیانا و مانورهای جنگی به گوش می‌رسید.**

***

دو ساعت پس از آماده شدن کامل نیروها افراد در حالی که سنگینی کوله‌پشتی‌ها را بر دوششان حس می‌کردند، پشت دیواره قایق‌ها پناه گرفتند تا از شتک آب که به درون قایق‌ها می‌ریخت، در امان بمانند.

کاپیتان خلبان جیم با خونسردی کوله‌پشتی‌اش را به بدنه قایق فشار داد و گفت: «خب بالاخره داریم به جاهای خوب خوبش می‌رسیم.»

تیم سالیوان جواب داد:

«جای خوب خوبش پیدا کردن یک جا برای این دل پیچه لعنتی است.»

جیم ریزخندی کرد و گفت: «این همه جا!»

و اشاره‌ای به ناو بزرگ کرد. تیم سرش را به قایق تکیه داد و لبخند کمرنگی زد. جیم را دوست داشت، هر چند فاصله بین او و جیم بر سر آرمان‌ها زیاد بود، این را خودش می دانست. جیم از خلبان‌های ماهر جنگ ویتنام بود که به ناچار در ارتش مانده بود و گاهی سربازانی را که خیال می‌کردند برای حفظ حقوق‌بشر می‌جنگند- مثل خود او- از این بابت مورد تمسخر قرار می‌داد:

«تیم! سعی کن این مزخرفات را بریزی دور. تو هم اگر یک ماه، نه! دو هفته در ویتنام می‌بودی معنی حقوق‌بشر را می‌فهمیدی.»

بعد از رسیدن قایق‌ها به ناو نیمیتس سربازها به سرعت و یکی‌یکی از نردبان‌ها بالا رفتند. بالا رفتن از نردبان طویل یک ناو جنگی با کوله‌پشتی‌های سنگین به نظر طاقت‌فرسا می‌آمد اما به نظر سرهنگ این تمرین‌ها برای دسته همیشه لازم بود.

افراد دسته بعد از ترک قایق‌ها، نیم ساعتی روی عرشه ماندند، بعد سرهنگ با چهره‌ای هیجان‌زده آمد و دسته، فرمان به جای خود گرفت.

سرهنگ گفت: «مردان شجاع! چشم ملت آمریکا امروز به شماست. امروز شما به ماموریتی می‌روید که آینده سیاسی و اعتبار ما به آن بسته است. مردان شجاع...»

سرهنگ در همه مدتی که آنها بار کوله‌پشتی‌هایشان را تحمل می‌کردند، درباره فداکاری افراد در این ماموریت حرف زد. درباره اینکه روس‌ها، آلمان‌ها و انگلیسی‌ها چه خیالی برای منطقه دارند و بعد هم از مسئله گروگان‌ها و حقوق‌بشر و اقتدار آمریکا گفت.

حالا برای گری مسلم بود که مسئله مانور مشترک با مصر و عربستان فقط یک قدرت‌نمایی ساده نبود اما در هر حال خوشحال بود چرا که نمی‌توانست و نمی‌خواست زندگی‌اش خالی از هیجان قهرمانانه باشد.

بیچ با خود اندیشید: «ماشه را بچکان به خاطر گروگان‌ها»

در هر حال او هرگز به این توجیهات نیازی نداشت، کمتر به خودش فرصت می‌داد تا دلیل مأموریت‌هایش را پیدا کند. گاهی از نظر او همین که یک نظامی بود، می‌توانست بهترین دلیل برای چکاندن دوباره ماشه باشد و کمتر تردید آزارش می‌داد.

سرهنگ ادامه داد:

«خلبان‌ها برای پرواز آزمایشی همگی به سمت بالگردها بقیه افراد استراحت!»

گری با لحنی خشک گفت:

«بی‌پدر و مادر بد ذات! میمردی زودتر راحت باش می‌دادی؟»

کوله‌پشتی را از روی شانه‌اش به زمین گذاشت و غر زد:

«هیچوقت به این کوله‌پشتی عادت نمی‌کنم، چقدر سنگین است پدرسگ!»

فیلیپ نگاهی به قیافه درهم او کرد. زیر بار آن کوله‌پشتی و تفنگ و قطار فشنگ و نارنجک‌ها و کلاهخود، حال خودش هم دست کمی از حال هم‌دسته‌اش نداشت.

چشم‌های بیچ به تلخی آشکاری سرهنگ را نشانه گرفته بود، زیر لبی گفت:

«شرط می‌بندم در تمام بدن این مرد یک سلول عاطفه نیست، انگار جنس‌اش از فولاد است.»

فیلیپ سر تکان داد:

«به نظر من که این چارلی سیخکی، بهترین سرهنگ دنیاست و البته! پدرسوخته‌ترین آن‌ها.»

تیم سالیوان دچار نوع دیگری از هیجان شده بود. این اولین بار بود که به یک مأموریت جدی می‌رفت. در مدت یک سالی که در ارتش خدمت کرده بود، چیزهای زیادی آموخته بود و بدون شک در بین گروه بهترین فرد در ساختن تله‌های انفجاری کوچک بود. تیم از لحظه‌ای که قدم به مأموریت گذاشته بود، مدام درگیر افکار خودش بود. فکر می‌کرد که اگر با دست پر به آمریکا برگردد، حتماً قهرمان ملی می‌شود اما اگر نشد؟ آیا جسدش را به آمریکا می‌فرستند؟

«طفلکی مادرم! جولیا چطور؟ او حتماً برایم عزاداری می‌کند! شاید هم نه! شاید خوش شانس باشم و با یک زخم یک میلیون دلاری برگردم.»

بعد فکر کرد که تیر به کجایش می‌خورد؟ شاید از بخت بد درست بخورد وسط پیشانی‌اش. احساس ترحمی ناخوشایند نسبت به خودش کرد. وقتی نوجوان بود تشییع جنازه سربازهای زیادی را دیده بود. در هر حال مردم نسبت به سربازها احساس بدی نداشتند، هر چند کسی اعتقادی به جنگ با ویتنام نداشت. به خودش گفت: «شاید هم هیچوقت نتوانم درباره این مأموریت حرفی بزنم.»

*** ستوان گریس و ۱۵ نفر از افراد گروهش از جنگ تمرد کردند، همه را به بهانه تمرین فرستادند به مرداب‌های لوئیزیانا، عجب جهنمی بود، بیچاره‌ها همه تیر مشقی داشتند، بعد شکارچی‌های انسان را اجیر کردند تا همه را بکشند، همه قتل‌عام شدند ... ۹ نفر از سربازهای دسته ششم... ۱۶ نفر از هنگ...**

***

پسری که به هیچ جا نرسید

«بچه نشو تیم! هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، قطار مستقیم به بوستون می‌رود، بعد می‌ایستد، پیش‌ازرسیدن از جایت بلند نشو!»

زن این را می‌گوید و مقداری پول راکه در دستمالی جاسازی کرده در جیب کت پسرک می‌گذارد.

«بلیت را بده به مأمور قطار. او قول داده مواظب تو باشد، وقتی پیاده شدی عمو استیو می‌آید دنبالت.»

«ولی مادر من نمی‌خواهم بروم!»

زن، پسر را تنگ در آغوش می‌گیرد. بوی تند کاه خیس خورده می‌پیچد توی دماغ پسر و دهان در حال لرزشش به شکل دایره‌ای لرزان درمی‌آید.

زن دست‌هایش را به دور شانه‌های افتاده پسر حلقه می‌کند:

«تیم! خواهش می‌کنم! تو معنای بی‌غذایی را می‌فهمی!»

زن از یادآوری روزها و ماه‌های طولانی و فرساینده گرسنگی به گریه می‌افتد. قطار به راه می‌افتد و تصویر زن کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود. تصویر زنی که موهای سیاهش مانند بخار آب گرم روی شانه‌هایش فرو افتاده‌اند، موهایی نرم و پریشان. قطار دو بار سوت می‌کشد و چشم‌های تیره و لب‌های کبود زن دوباره آماده گریستن می‌شود.

***

خانه‌های اربابی بزرگ‌اند، کارگرهای خانه‌های اربابی احتیاجی به سواد ندارند، کارگرها فقط باید مطیع باشند، هر چه مطیع‌تر بهتر!

بعضی از سرکارگرها مهربان‌اند؛ زیرا از کاری که با زیردستان می‌کنند، نفرت دارند. بعضی از آنها خشمگین‌اند؛ چون نمی‌خواهند بر دیگران ستم کنند و بعضی‌ها بی‌عاطفه‌اند؛ چون دریافته‌اند که آدم‌های مهربان مالک نمی‌شوند.

تیم به رد کمربند بر ساق‌های پایش دست می‌کشد.

- آن جا نایست پسرا! این اصطبل راتمیز کن، بعد هم سری به خانم ویلن بزن و برای شومینه هیزم ببر!

- اطاعت قربان!

- آهای تیم! پسره تنبل بی‌عرضه! چند سطل آب بیاور و این زمین را تمیز کن!

- اطاعت قربان!

- آهای تیم!

- اطاعت قربان!

انگشت‌های گوشتالود مالک به کنار در اتومبیل ضرب می‌گیرد، انگشت‌های زخمی تیم، دسته بیل را می‌فشارد، تیم با جدیت و وفاداری خاک را شیار می‌کند.

دخترهای کارگر خانه اربابی زیر آفتاب رخت می‌شویند، آه می‌کشند و دست‌هایشان شانه‌های خسته‌شان را می‌فشارد، پسرهای خانه اربابی برای فردا وعده‌های صادقانه می‌دهند.

سگ‌ها به دنبال اتومبیل‌ها بو می‌کشند، ارباب‌ها عطرهای خوب می‌زنند، اسب‌ها خوب غذا می‌خورند، جوجه‌ها در آفتاب چرت می‌زنند و خوک‌ها در آغل‌های کثیفشان خرخر می‌کنند.

ارباب می‌پرسد:

«همه چیز مرتب است.»

تیم می‌گوید:

«بله قربان! همه چیز مرتب است.»

بازوها و شانه‌های تیم سفت شده‌اند، صدایش تن غریبی دارد. گونه‌هایش پر از جوش‌های قرمز و صورتی است، تیم اهمیتی نمی‌دهد، دخترهای کارگر خانه اربابی هم اهمیتی نمی‌دهند. دخترهای خانه اربابی به پسرهای خجالتی و گوشه‌گیر هم اهمیتی نمی‌دهند.

جولیا می‌گوید:

«تیم! تو پسر خوبی هستی! اما من می‌خواهم با ویلسون ازدواج کنم، از من ناراحت نشو تیمی!»

۷ سال گذشته است. صبح یک روز پاییز، کامیون ارتشی کجدار و مریز از حاشیه خاکستری جاده بالا می‌آید، لباس‌های سبزشان در زمینه نارنجی پاییز، به نظر زیبا و با ابهت می‌آید. دخترها برای سربازها دست تکان می‌دهند. و سربازها برای احترام اما شیطنت‌آمیز کلاهشان را در هوا تکان می‌دهند.

تیم می‌اندیشد:

«آدم در اونیفورم نظامی مردتر به نظر می‌رسد.»

***

قبل از این که افراد برای سوار شدن به بالگردها آماده شوند، یکی از افسرها به دستور سرهنگ روی سکویی بلند رفت و عبارت‌هایی از کتاب اسماعیل نبی را برای افراد خواند: «در آنجا یک پهلوان ظاهر شد، به نام جالوت... نیزه‌اش همچون میل بافتنی بود... و داود گفت: خدایی که مرا از پنجه خرس نجات داد، از دست این دشمن فلسطینی نیز نجات خواهد داد. داوود سنگی برداشت و پرتاب کرد. سنگ بر پیشانی جالوت خورد و او با صورت بر زمین افتاد.»

بعد از خدا طلب نیرو برای دلتا کرد. ناگهان سرگرد باکشات شروع به خواندن کرد و سرود: «خدا آمریکا را حفظ کند.» را خواند. همه افراد با او همراهی کردند. صدای آنها و پژواک آوازشان، عرشه را پرکرد: «کوهستان‌ها تا چمنزارها، تا اقیانوس‌ها با حباب‌های سفید... خدا آمریکا را حفظ کند، وطن من، وطن عزیز من...»

سرهنگ رو به روانشناس دلتا کرد و پرسید: خب دکتر چه فکر می‌کنی؟»

او جواب داد: «از همیشه بهترند. بهتر از هر وقتی که قبلاً دیده‌ام.» بعد زیرلب گفت: «آمین»

---

* مزایده واگذاری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ظرفیت‌های تفریحی و توریستی و آبزی‌پروری سد سنبل‌رود*

شرکت آب منطقه‌ای مازندران

نوبت دوم

شرکت آب منطقه‌ای مازندران از مزایده‌گران واجد شرایط دعوت بعمل می‌آورد تا پیشنهاد خود را به صورت مهر و موم شده ارائه نمایند.

۱- موضوع مزایده شامل: واگذاری حق سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ظرفیت‌های تفریحی و توریستی و آبزی‌پرورش سد سنبل‌رود- شهرستان سوادکوه شمالی

۲- مدت بهره برداری از تاریخ شروع به مدت ۲۰ (بیست) سال می‌باشد.

۳- علاقه‌مندان واجد شرایط می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر و بررسی اسناد مزایده به شرکت آب منطقه‌ای مازندران واقع در نشانی مندرج در ذیل، از ساعت ۹ الی ۱۴ مراجعه فرمایند.

۴- علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌توانند با ارائه درخواست کتبی خود به نشانی ذیل در قبال پرداخت مبلغ غیرقابل استرداد ۶۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره۲۱۶۵۰۸۵۰۰۴۰۰۹ بانک کشاورزی شعبه منابع طبیعی ساری به نام آب منطقه‌ای مازندران: اسناد مزایده دریافت دارند.

۵- مزایده به روش یک مرحله‌ای می‌باشد.

۶- طرح پایه: دارد

۷- پیشنهادها باید تا ساعت ۹ صبح مورخ ۹۴/۸/۲۰ به نشانی ذکر شده در ذیل تحویل گردد. تمامی پیشنهادها باید به همراه تضمین شرکت در مزایده به مبلغ ۶/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارائه شوند. پیشنهادهایی که پس‌از زمان فوق ارائه گردند قابل قبول نخواهد بود. پیشنهادها در حضور نمایندگان مزایده‌گرانی که مایل به حضور در جلسه بازگشایی در ساعت و تاریخ و مکان تعیین شده در دعوت‌نامه تسلیم پیشنهاد می‌باشند، گشوده خواهد شد. تنها نماینده مزایده‌گرانی که معرفی‌نامه معتبر ارائه نموده‌اند، می‌توانند در جلسه گشایش پاکات پیشنهاد قیمت شرکت نمایند.

۸- بعد از آگهی نوبت دوم اسناد مزایده به مدت ۱۰ روز به فروش می‌رسد.

ساری- کیلومتر ۳ جاده ساری به قائم‌شهر- شرکت آب منطقه‌ای مازندران- تلفن ۳۳۳۴۱۰۲۳- فاکس ۳۳۳۴۱۰۲۳

۹- پیشنهادهای مزایده‌گران به مدت ۱۷۰ روز پس از تاریخ گشایش پیشنهادها به شرح فوق‌الذکر معتبر باقی خواهد ماند.

نام و عنوان: ....

کار فرما: ....

روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای مازندران

آگهی تغییرات شرکت حمل و نقل نوید بار کشاورز سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۳۴۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۶۶۸۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۳/۳ و مجوز شماره ۱۱/۱۱۱۰۵ مورخ ۹۴/۳/۱۹ اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. اتحادیه مرکزی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۸۱۱۳ شرکت تعاونی مصرف کارکنان اتحادیه مرکزی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران بشناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۹۳۲۶ شرکت تعاونی مصرف کارگران اتحادیه مرکزی تعاونیهای روستایی و کشاورزی ایران بشناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۴۰۳۱ بعنوان اعضای اصلی هیئت مدیره شرکت برای مدت ۲سال انتخاب گردید. آقای غلامعباس فنی بشماره ملی ۱۸۶۰۳۴۷۳۳۹ بعنوان بازرس اصلی و خانم فرح‌السادات عرق بیدی کاشانی بشماره ملی ۶۱۹۹۵۴۰۹۷۲ بعنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند که با امضای ذیل این صورت جلسه قبولی خود را اعلام نمودند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، انتخاب مدیران، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن ایثار فجرآفرینان به شماره ثبت۳۰۱۳۵۵

بدینوسیله از کلیه اعضاء دعوت بعمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی تعاونی، روز پنج‌شنبه مورخ ۹۴/۸/۱۴ راس ساعت ۱۴/۰۰ در محل مجموعه میلاد نور واقع در بزرگراه بسیج میدان شهید کلاهدوز حضور بهم‌رسانید.

دستور جلسه: ۱- گزارش هیئت مدیره و بازرس از عملکرد سال ۹۳

۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال منتهی به ۹۳/۱۲/۲۹

۳- تصویب ساخت و ساز پروژه مسکونی فیروزکوه بصورت امانی توسط شرکت تعاونی

۴- کاهش اعضاء و سرمایه شرکت تعاونی

۵- انتخاب عضو جدید بازرس شرکت تعاونی

توجه: وکالت‌نامه افرادی که از سوی اعضاء در مجمع شرکت خواهند نمود باید مطابق اطلاعیه‌ای که در محل جمعی خدمت آنان نصب خواهد شد، تهیه و حداکثر تا تاریخ ۹۴/۸/۱۱ به دفتر تعاونی تحویل گردد تا به موقع مورد بررسی قرار گیرد.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن ایثار فجرآفرینان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۴۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۶۹۸۳ مورخه ۱۳۹۴/۵/۲۱ کلاسه ۱۳۹۱۱۲۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۷۷۱هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فغانعلی کشاورز ترک فرزند قوچعلی به شماره شناسنامه ۱۰ کد ملی ۵۸۸۹۸۴۸۲۶۷ صادره از قزوین در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۸۱/۲۵ مترمربع پلاک ۵۳ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ که در ازای سهم مشاعی در سهم مالک متن قرار گرفته است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۷/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۷/۲۰

حسن غلامحسینی رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین

چون حامد محمودی مالک خودرو سواری پژو۲۰۶ به شماره‌انتظامی ۵۹۱ هـ ۲۸ ایران۶۳ شماره‌موتور ۱۴۱۸۶۰۱۷۷۶۰ شماره‌شاسی ۲۱۵۱۲۷۸۹ به علت فقدان سند کمپانی و سند مالکیت (برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی درمورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یکسال است.

دادنامه

به تاریخ ۹۴/۷/۱۲ در وقت فوق‌العاده جلسه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان البرز مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی کرج به تصدی امضاءکننده ذیل تشکیل است پرونده کلاسه ۶۴۳۰۰۰۴۸ تحت نظر قرار دارد. دادگاه با بررسی مجموع اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه نظریه هیئت کارشناسی ختم رسیدگی را اعلام و بشرح آتی مبادرت به اصدار رأی می‌نماید.

«رأی دادگاه»

در خصوص دادخواست معترض ثالث آقای محمد قنبری فرزند ولی‌اله با وکالت آقای احمد گرجی به طرفیت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام خمینی(ره) و ربابه کربلایی قمی فرزند سیدمحسن و زهری بغداد آبادی فرزند غلامعلی نسبت به آن قسمت از دادنامه شماره ۱۴۴/۳/۹۲/۴۳۰۰۸۱۳ مورخ ۹۲/۷/۱۳ که متضمن صدور حکم به ضبط پلاک ثبتی ۲۷۸۱ فرعی مفروز و مجزی شده از ۵۰۲ فرعی از ۱۳۷ اصلی به شماره قطعه ۴۶۱ تفکیکی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع واقع در کردان جزء حوزه ثبتی ساوجبلاغ بنفع ستاد اجرایی فرمان امام(ره) صادر گردیده است دادگاه با توجه به محتویات پرونده و اظهارات معترض ثالث به شرح دادخواست و صورتجلسه دادگاه و عدم حضور خوانده ردیف دوم در دادگاه جهت دفاع و دفاعیات خوانده ردیف سوم (ستاد اجرایی) که ضمن دفاعیات نسبت به اصالت سند ۹۳۳۵۳ مورخ ۵۲/۶/۲۴ تنظیمی در دفتر اسناد رسمی ۶۴ تهران مستند معترض ثالث ایراد جعل نموده است دادگاه با عنایت به محتویات پرونده و مدارک ابرازی از ناحیه معترض ثالث و کارشناسی‌های به عمل آمده با پذیرش ادعای معترض ثالث مستندا به مواد ۴۱۷ و ۴۲۰ و ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه مورد خواسته اعتراض ثالث را در آن قسمت که متضمن مصادره پلاک ثبتی ۲۷۸۱ فرعی مفروز و مجزی شده از ۵۰۲ فرعی از ۱۳۷ اصلی به شماره قطعه ۴۶۱ تفکیکی می‌باشد نقض و رقبه مذکور از شمول حکم صادره خارج می‌گردد. رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه‌های محترم تجدید نظر استان تهران است.

قاضی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان البرز- میرغفاری

۲۶۰۱۱۶ م‌الف

بسمه تعالی

آگهی تجدید مزایده عمومی
مزایده شماره ۹۴/۱

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم در نظر دارد اموال مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی و با شرایط اعلام شده به فروش برساند متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری مورخ ۹۴/۷/۳۰ به نشانی قم- جاده قدیم اصفهان- جنب بوستان علوی- اداره کل منابع طبیعی استان قم- امور قراردادها- اسناد مزایده را دریافت نمایند.

۱- نوع و مقدار کالا و یا مال با ذکر مشخصات: فروش سه دستگاه خودرو به شرح ذیل:

ردیف	نوع کالا	مدل	واحد	رنگ	مبلغ تضمین(ریال)	پلاک
۱	پژو ۴۰۵	۱۳۸۰	یک دستگاه	یشمی روغنی	۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۶-۵۶۹-الف-۱۲
۲	وانت دوکابین	۱۳۸۰	یک دستگاه	آبی متالیک	۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۶-۹۱۲-الف-۱۲
۳	کامیونت ون نیسان	۱۳۸۰	یک دستگاه	آبی روغنی	۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۶-۲۳۲-الف-۱۳

۲- زمان و نحوه بازدید متقاضیان از نمونه یا عین کالا و مال: از تاریخ درج آگهی لغایت ۹۴/۷/۳۰ در محل اداره کل منابع طبیعی به آدرس فوق

۳- تضمین شرکت در مزایده: طبق شرایط مندرج در اسناد مزایده تهیه و ارائه گردد.

۴- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها پایان وقت اداری مورخ ۹۴/۷/۳۰ و گشایش پیشنهادها و قرائت در ساعت ۹ صبح مورخ ۹۴/۸/۳ در محل اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم می‌باشد.

۵- سایر شرایط مطابق اسناد مزایده می‌باشد.

۶- هزینه‌های درج آگهی و ثبت در دفترخانه اسناد رسمی و نقل و انتقال اسناد مالکیت- بیمه- مابه‌التفاوت هزینه سوخت و هزینه کارشناسی بعهده برندگان مزایده خواهد بود.

۷- هزینه مربوط به عوارض و مالیات و جرائم رانندگی تا زمان انجام معامله بعهده فروشنده خواهد بود.

تلفن تماس: ۵-۰۲۵-۳۲۸۵۸۵۰۰

ابلاغ اتهام

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان همدان

خانم عارفه غفاری‌نوین - پرسنل شبکه بهداشت و درمان شهرستان کبودر آهنگ همدان

نظر به اینکه پرونده شما به اتهام غیبت غیرموجه به طور متوالی در این هیئت تحت رسیدگی می‌باشد لازم است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی دفاعیه کتبی خود را به انضمام مدارک لازم به نشانی:

همدان - چهارراه شریعتی - ساختمان شماره ۴ دانشگاه علوم پزشکی - طبقه اول دفتر هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان یا صندوق پستی ۸۶۶-۶۵۱۵۵ تسلیم نمائید. در غیر این صورت هیئت طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد کرد.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی همدان

«آگهی تجدید مناقصه یک نوبته»

شهرداری قزوین (تاسیس ۱۳۸۶)

شهرداری قزوین درنظر دارد نسبت به **خرید بیمه‌نامه‌های موردنیاز** به شرح ذیل از طریق مناقصه عمومی به **مدت یک سال** اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند پس از انتشار آگهی به مدت ده روز جهت آگاهی و دریافت اسناد مناقصه به مدیریت پیمان و رسیدگی واقع در شهرداری مرکز و یا به آدرس اینترنتی www.Qazvin.ir و یا سایت ملی مناقصات مراجعه نمایند.

۱- بیمه‌نامه مسئولیت جامع شهرداری و سازمان‌های وابسته.
۲- بیمه مسئولیت کارفرما در قبال کارکنان (کارکنان اداری و اجرایی).
۳- بیمه عمر و حوادث گروهی.
۴- آتش‌سوزی ساختمان‌های مسکونی شهر.
۵- آتش‌سوزی اموال شهرداری.
۶- بیمه درمان تکمیلی.
۷- بیمه آتش‌سوزی جایگاه‌های سوخت CNG
۸- مسئولیت کارفرما در قبال اشخاص ثالث در جایگاه‌های سوخت‌رسانیCNG
۹- بیمه تمام خطر مهندسی جایگاه‌های سوخت CNG

ضمناً شرکت‌هایی مجاز به ارائه پیشنهاد می‌باشند که شعبه مرکزی آنها در قزوین باشد. هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. تلفن تماس:۵-۳۳۲۲۷۰۰۱

مسعود نصرتی- شهردار قزوین

آگهی مزایده

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۳۰۲۶۴ در اجرای دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۶۱۱۰۴۰۵۶۹ شعبه اول دادگاه حقوقی اهواز درنظر دارد اموال منقول و غیرمنقول با مالکیت مشاعی ویدا پورموسوی و علی نجفی با وکالت آقای ولی حاتمی غریبوند، وجیهه کلانتری، محمدجواد، عبدالرسول، حسن، عبدالحمید، سکینه بیگم، نصرت بیگم، مهین، نیکو، ویدا و احسان شهرت همگی نجفی شامل: ۱- نیم دانگ مشاع از ششدانگ پلاکهای ثبتی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹، ۲۰۲۸، ۲۰۲۹، ۲۰۲۳، ۲۰۲۵ و ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ بخش دو اهواز که شامل یک مجتمع تجاری مسکونی سه طبقه با اسکلت بتنی و سقف تیرچه بلوک با موقعیت بسیار خوب و طبقه همکف تجاری به صورت یک پاساژ (۷۹ واحد تجاری) که تماما دارای سرقفلی می باشد و دو طبقه فوقانی مسکونی خالی از سکنه عرصه به مساحت ۲۱۶۹/۲۸ مترمربع جمعا و ۶۴۴۸ متر مربع زیربناء به نشانی اهواز خیابان امام خمینی(ره) نبش مولوی دارای آب، برق، گاز و سایر خدمات شهری طبق نظر کارشناسان رسمی دادگستری ارزش نیم دانگ مشاع از کل ملک با کسر سرقفلی مغازه‌ها و رعایت حقوق مستأجرین و متصرفین قانونی به قیمت پایه مبلغ ۱۱/۱۸۴/۵۸۱/۲۵۰ ریال ارزیابی گردید. ۲- ملک واقع در اهواز - خیابان حافظ- بین خیابان مجاهدین (سیروس) و نادری جنب بانک صادرات شامل سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۶۷۵ واقع در بخش ۲ اهواز پلاک شهرداری ۳۲۲ برابر نامه شماره ۱۳۹۱/۳/۶ شهرداری اهواز دارای کاربری تجاری (که فعلا به صورت یک واحد مسکونی استفاده می‌شود) به مساحت عرصه ۷۲۷/۵۰ متر مربع زیربناء ساخته شده در زیرزمین ۱۵۳ متر مربع در طبقه همکف ۴۳۱/۵ مترمربع در طبقه اول ۶۹ متر مربع و راه‌پله ۲۱/۵ متر مربع دارای دو درب ورودی یکی غربی و دیگری شرقی جمعا به مساحت ۶۷۶ مترمربع ارزش سه دانگ پلاک ثبتی فوق طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری مبلغ ۱۶/۳۶۶/۲۵۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردید. ۳- یک قطعه زمین مشاع از پلاک ثبتی ۹۲۶/۲۹ بخش ۷ در مسیر جاده اهواز به ماهشهر روبه روی شهرک آغاجاری به مساحت عرصه ۹۰۰ متر مربع اعیان ندارد با توجه به مشاع بودن زمین حدود اربعه آن معلوم نیست باید با مالکین همجوار توافق شود. قیمت ملک طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری از قرار هر مترمربع ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال و جمعا مبلغ ۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین گردید. ۴- ششدانگ پلاک ثبتی عرصه و اعیان ۹۲۷/۱۴۰۰ بخش ۷ اهواز به نشانی اهواز- کوی منابع طبیعی خیابان طبیعت یک قطعه ۲۹۸ (قدیم) پلاک ۱۸ شامل یک باب خانه مسکونی در یک طبقه مساحت عرصه ۲۵۲ متر مربع و مساحت اعیان ۱۵۰ متر مربع شامل: هال و پذیرایی، سه اطاق خواب، سرویس بهداشتی و آشپزخانه، نمای ساختمان آجر سه سانت پوشش سقف تیرچه بلوک، کف موزائیک، داخل سفیدکاری، درب و پنجره پروفیل، دارای آب، برق، گاز و امکانات خدمات شهری قیمت طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری ۳/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سه میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال) ۵- یک دستگاه تویوتا کارینا سفیدرنگ مدل ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ شمسی) مستعمل دارای شماره انتظامی ۴۵۲۹۸ اهواز ۱۱ فاقد پلاک ملی مستقر در اهواز خیابان حافظ بین سیروس و نادری پلاک شهرداری ۳۲۲ قیمت طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردید را از طریق مزایده و با قیمت کارشناسی بفروش برساند با توجه به ابلاغ نظریه کارشناسان در خصوص ارزیابی املاک و اموال مذکور و عدم اعتراض طرفین وقت مزایده برای دوشنبه مورخ ۹۴/۸/۱۸ ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۱/۳۰ صبح تعیین می‌شود. از کلیه کسانی که قصد شرکت در مزایده را دارند دعوت می‌شود تا در وقت مقرر در محل اجرای احکام شعبه اول دادگاه حقوقی اهواز واقع در اهواز- خرمکوشک مجتمع شهید تندگویان حاضر شوند. قیمت اموال از مبلغ کارشناسی شروع و برنده مزایده کسی است که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایدو در این صورت می‌بایست ۱۰٪ قیمت اموال را فی‌المجلس تقدیم دادگاه نمایند ضمنا کسانی که قصد شرکت در مزایده را دارند می‌توانند ۵ روز قبل از برگزاری مزایده با هماهنگی قبلی از املاک و اتومبیل مورد مزایده واقع در نشانی‌های فوق بازدید نمایند.

محمدحسین غیبی‌پور- مدیر شعبه اول اجرای احکام دادگاه حقوقی اهواز